

The Background of Middle Persian Script and its Change and Evolution Based on Coins from the Collapse of the Achaemenids to the Rise of the Sassanids

Eftekhar ruhifar¹

After the collapse of the Achaemenids, although the cuneiform line was no longer used, however, the Persian language continued to exist. In the beginning, this language was reserved only for the Persian tribes in the same province, and over time, this language became popular in the whole country, and its spread has been the whole of Iran. In the end, this language was declared as the official language of the whole country. Of course, it should be noted that throughout history, in each period, special lines were used to write the Persian language, which were invented by the Persians. We know that it was the Persians who invented cuneiform writing in the Achaemenid period. Then a script was invented by the Persians to write the Persian language, which was mentioned under the title of Parsig when the Sassanids came to power. Now the main issue is what was the line used for writing in the period between the collapse of the Achaemenid dynasty and the rise of the Sassanid dynasty. The truth is that after the extinction of Achaemenids, the Achaemenid Divan script, i.e. Aramaic, was inevitably used to write the Persian language. Of course, over time, the Iranians realized that they did not see the Aramaic script as suitable for writing the Persian language, and such an attitude led to the fact that the Iranians invented a new script for writing the Persian language.

Key words: language, coins, Aramaic, middle Persian, Sassanian

¹ Ph.D. student in Ancient Iranian Languages and Culture, Institute for Humanities and Cultural Studies. eftekhar.ruhifar.2044@gmail.com

پیشینه خط فارسی میانه و سیر تغییر و تحول آن بر اساس سکه‌ها از فروپاشی هخامنشیان تا روی کار آمدن ساسانیان افتخار روحی فر^۱

چکیده

پس از فروپاشی هخامنشیان اگرچه خط میخی دیگر به کار نرفت اما زبان فارسی همچنان به حیات خود ادامه داد. این زبان که در ابتدا منحصر به قبایل پارسی در همان استان بود، در گذر زمان بر همه پهنه کشور ایران سایه افکند و در نهایت زبان رسمی کل کشور شد. در طول تاریخ اما برای به کتابت درآوردن زبان فارسی در هر دوره خطوطی به کار می‌رفت که توسط پارسیان ابداع شده بود. نخست می‌دانیم که پارسیان در عصر هخامنشیان خطی میخی را برای تحریر این زبان ابداع کردند، پس از آن یک بار دیگر نیز خطی برای نگارش زبان فارسی توسط پارسیان ابداع شد، که آن خط، تحت عنوان پارسیگ در هنگام روی کار آمدن ساسانیان پدیدار شد. اما تکلیف خطی که برای نگارش زبان فارسی در قرون بین فروپاشی هخامنشیان تا روی کار آمدن ساسانیان به کار می‌رفت به چه شکل بوده و نقش سکه‌ها در این میان به چه شکل می‌باشد؟ در واقع پس از فروپاشی هخامنشیان به ناچار خط دیوانی هخامنشیان یعنی آرامی برای به کتابت درآوردن زبان فارسی به کار گرفته شد تا اینکه نهایتاً ایرانیان خط آرامی را مناسب برای تحریر زبان فارسی ندیدند و این منجر بدان شد خط جدیدی که آن هم برای تحریر زبان فارسی باشد ابداع گردد.

واژه‌های کلیدی: زبان پارسی، سکه، خط آرامی، فارسی میانه، ساسانیان.

۱- مقدمه

از جمله مسائلی که برای تاریخ‌پژوهان، به ویژه پژوهشگران حوزه زبان‌های باستانی ایران مورد توجه است این است که با روی کار آمدن سلسله ساسانیان به شکل گسترده‌ای در همه کتیبه‌های بزرگ و کوچک آنان، که غالبشان توسط شاهان اولیه این دودمان نوشته شده است یک گونه خطی که از هر نظر تکامل یافته، به کار برده شده است که ما آن را امروزه خط «پارسیگ» می‌نامیم. این خط نیز برای به کتابت درآوردن زبان پارسی ساسانیان به کار گرفته شده است که خود در ادامه زبان فارسی عهد باستان است (آموزگار-تفضلی، ۱۳۷۵: ۱۳). در این باره پیش از هر چیز این دو پرسش پیش می‌آید. اول اینکه

^۱ دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سرگذشت زبان فارسی از عصر باستان یعنی دوره هخامنشیان تا روی کار آمدن ساسانیان به چه شکل بوده است و مردمان استان پارس، زبان فارسی خود را با چه خطی به کتابت در می‌آوردند؟ و دوم، با توجه به اینکه ابداع یک خط، با قواعد دستوری و زبانی آن، بی‌شک سالیانی نه چندان کوتاه را در بر می‌گرفته است تا ابداع آن به تکامل رسد، آیا این خط به راستی توسط ساسانیان ابداع شده بود؟ چرا که از روی کار آمدن اردشیر بابکان تا استفاده او از این خط در مسکوکات و کتیبه‌های خود یک دهه هم نمی‌گذرد. پس چطور می‌توان این خط ابداع ساسانیان یا پدید آمده در عصر آنها باشد؟ فرض ما پیرامون مسئله فوق چنین است که، اگر چه این خط با روی کار آمدن ساسانیان در اسناد آنها پدیدار شده و پژوهشگران نیز قدیمی‌ترین کتیبه‌های موجود به این خط را متعلق به شاهان اولیه ساسانی می‌دانند (آموزگار - تفضلی، ۱۳۷۵: ۸۲)، اما به قطع یقین آغاز پیدایی و ابداع آن در سالیانی پیش از برآمدن دودمان ساسانیان صورت گرفته بود و ساسانیان یا همان شاهان اولیه این سلسله تنها از این خط به عنوان میراثی که به آنها رسیده بود در ابعاد مختلف کتیبه‌نگاری خود که شامل شرح اقدامات سیاسی و تبلیغات دینی آنها بود در کتیبه‌ها، سکه‌ها و مهرها استفاده نمودند. بدین ترتیب هدف از این پژوهش این است تا با شناسایی و بررسی اسنادی که متعلق به سال‌های پیش از روی کار آمدن ساسانیان بوده و دارای خط هستند، دریابیم که چه گونه‌ای از خط متعلق به دودمان‌های محلی استان پارس است و یا پیش از راه‌اندازی سلسله ساسانیان، مردمان این استان که خط نامبرده از آنجا برآمده از چه خطی برای به تحریر در آوردن زبان پارسی خود استفاده می‌نمودند. علاوه بر این باید دریابیم که سیر تغییر و تحول در خط کاربردی دودمان‌های پارسی به چه شکل بوده که نهایتاً منجر به ابداع خط پارسیگ شده و امروزه آن را با نام خط فارسی میانه ساسانی می‌شناسیم (ابوالقاسمی، ۱۳۹۶: ۱۵۸). زیرا میراثی به ساسانیان رسیده بود و آنها نیز در ترویج و گسترش آن در قالب نگارش کتیبه‌ها و سکه‌ها از هیچ تلاشی فرو نهنداند. پیرامون موضوع فوق و پژوهش در آن، یگانه اسناد ما مسکوکات بجا مانده از جملگی شاهک‌های پارسی هم عصر اشکانی در استان پارس است که خوشبختانه تعداد آنها نیز قابل توجه است. به جرأت می‌توان گفت تاکنون سکه‌شناسان داخلی و خارجی تنها به معرفی این سکه‌ها و شناسایی چهره شاهان منقوش در آنها پرداخته‌اند و تا امروز کسی ریزبینی و دقت کافی بر روی سیر تحول خطی که این حکام بر مسکوکات خود به کار برده‌اند اعمال نکرده است. از جمله این سکه‌شناسان لوکونین^۱ محقق روسی است که با بررسی مسکوکات دودمان‌های پارسی پایانی، ترتیب آنها را معرفی نموده است (لوکونین، ۱۳۹۳: ۴۰-۳۹). فرای^۲ در کتاب تاریخ باستانی ایران، یوزف ویسهوفر^۳ در کتاب تاریخ پارس از اسکندر تا مهرداد اشکانی، کتاب ایران باستان کمی بیشتر از این بر مسئله یاد شده معطوف شده‌اند و با ذکر اینکه دودمان‌های پارسی پس از فروپاشی هخامنشیان ابتدا از خط آرامی برای مکاتبات خود بهره برده و بعدها کم کم خط پارسیگ جای خط آرامی را گرفت تحقیق خود را تمام کرده‌اند (فرای، ۱۳۸۰: ۴۳۶؛ ویسهوفر،

¹ Lukonin

² Fray, R.N.

³ Wiesehöfer, J.

۱۳۸۷ : ۲۶؛ ویسهوفر، ۱۳۹۳: ۲۵)، شروو^۱ (۲۰۰۹) نیز در کتاب *Iranian Languages* به این نکته توجه نموده است که پس از فروپاشی هخامنشیان ابتدا خط آرامی با زبان پارسی برای مکاتبه پارسی‌ها مورد استفاده بود. بدین ترتیب تاکنون محققان بر روی سکه‌های دودمان‌های پارسی در پس از فروپاشی هخامنشیان تا پیش از روی کار آمدن ساسانیان به شکل ریزبینانه‌ای متمرکز نشده است تا مسئله را روشن نماید که چگونه خط مردمان استان پارس از آرامی به پارسیگ مبدل شده است. حال از این رو در این مقاله کوشش شده است با بررسی دقیق اسناد نام برده، سیر تغییر و تحول خط در دودمان‌های پارسی پیش از ساسانیان شناسایی شده و تاریخی تقریبی برای آغاز ابداع، و سپس نهایی شدن خط پارسیگ که کلیت آن در پیش از روی کار آمدن ساسانیان به انجام رسیده و به ساسانیان منتقل شده بود تعیین گردد.

۲- پیشینه پژوهش

در مورد سیر تحول خط و زبان فارسی از فروپاشی هخامنشیان تا روی کار آمدن ساسانیان، می‌توان گفت تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته به صورت کلی بوده است. برای مثال ارانسکی^۲ (در کتاب زبان‌های ایرانی اشاره دارد که پیرامون مسئله تغییر و تحول خط و زبان فارسی ما با یک دوره تاریک شش قرن روبرو هستیم. غالب پژوهشگران نیز به همین حد بسنده نموده‌اند. علت هم روشن است، چرا که از این دوره شش قرن هیچ متن و کتیبه‌ای به خط فارسی که روشن کننده سیر تحول این خط و زبان باشد بجا نمانده است. اما نگارنده در این مقاله کوشیده است با تنها ابزار موجود که همانا سکه‌های حکام محلی پارس در عصر سلوکیان و اشکانیان است به بررسی سیر تحول خط در این بازه زمانی بپردازد. اکنون برای این پژوهش از تصاویر مسکوکات این دوره که در برخی کتب تاریخی به میان آمده، استفاده شده است. از جمله کتاب *تاریخ پارس از اسکندر تا مهرداد اشکانی* تألیف محقق آلمانی جوزف ویسهوفر است. همچنین برخی مسکوکات حکام محلی پارس بجا مانده در موزه ایران باستان، موزه پول و غیره به نظر نگارنده رسیده است. فزون بر این نگارنده از تصاویر مسکوکات این دوره که در وبگاه‌های موزه‌های معتبر جهان موجود است، از جمله موزه لندن و آرمیتاژ و غیره بهره برده است. به طور کلی با توجه به کمیاب بودن این نمونه سکه‌ها، شمار مسکوکاتی که برای این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته به پنجاه عدد می‌رسد. همچنین بازنویسی خط سکه، حرف‌نویسی، آوانویسی و ترجمه فارسی آنها نیز توسط نگارنده صورت گرفته است.

۳- پیشینه خط و زبان فارسی میانه

زبان فارسی میانه از شاخه زبان‌های ایرانی میانه غربی است (ارانسکی، ۱۳۷۸: ۶۹) می‌دانیم که این زبان، زبان رسمی دولت ساسانی در ایران بوده است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱؛ جعفری دهقی، ۱۳۹۵: ۳؛ ابوالقاسمی، ۱۳۹۶: ۱۵۸). اما در پیش از روی کار آمدن ساسانیان یعنی در دوره فرمانروایی دودمان اشکانی این زبان

¹ Skjærvø

² Oranski

به عنوان زبان محلی استان پارس تنها در این منطقه در جنوب غربی ایران بدان تکلم می‌شده است (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۱۵۷). از این رو ناگزیریم زبان فارسی دوره میانه را چنان که از نام آن نیز پیداست، برآمده از استان پارس که موقعیت جغرافیایی آن در غرب و جنوب غربی ایران است بدانیم (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۱۵۷؛ ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۳۹ و ۱۵۷). زبان فارسی میانه نیز خود دنباله زبان فارسی عصر هخامنشیان است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۲؛ ۶۳؛ ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۴۷) که ما آن را با عنوان زبان فارسی باستان می‌شناسیم. موقعیت جغرافیایی به کارگیری این زبان هم در ایالت پارس و دربار شاهان هخامنشی بوده است (مولایی، ۱۳۹۸: ۱۳). حال زبان فارسی عصر ساسانی به خطی کتابت می‌شده است که امروزه آن را خط پارسیگ می‌نامند (شرو، ۲۰۰۹: ۱۹۶؛ تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۲). بر پایه اسناد بجا مانده از شاهان اولیه ساسانی در اوایل این عصر، کتیبه‌ها به طور کلی میزبان خط پارسیگ اعم از نگارش، دستور و قواعد آن بودند (عریان، ۱۳۹۲: ۲۷-۳۱). نویسه‌های این خط در این کتیبه‌ها به صورت گسسته یا منفصل تشکیل یک واژه را می‌دادند که امروزه به آن خط پهلوی کتیبه‌ای نیز می‌گویند (تفضلی، ۱۳۷۶: ۸۳؛ جعفری دهقی، ۱۳۹۵: ۱۶).

اما پیدایی و پیشینه خط فارسی میانه کتیبه‌ای از کجا و در چه زمانی بوده است؟ در سال ۲۰۹ میلادی وقتی بابک و پسران او شاپور و اردشیر علیه دست‌نشانده دولت اشکانی شورش کردند و به پارس دست یافتند، بابک ابتدا پسر بزرگتر خود شاپور را به تخت شاهی پارس نشاند (لوکونین، ۱۳۹۳: ۵۴؛ طبری، ۱۳۸۵: ۲/۵۸۲) وی بلافاصله در مقام شاه پارس به نام خود و پدرش بابک به توسط همین خط درهم‌هایی ضرب نمود (لوکونین، ۱۳۹۳: ۴۳). کمی بعد، با مرگ شاپور، دومین پسر بابک یعنی اردشیر به تخت شاهی پارس نشست و به مانند برادر خود سکه‌هایی با نام خود و پدرش بابک ضرب کرد. در تاریخ ساسانی درهم‌های این دو برادر نخستین اسنادی هستند که در آنها خط پارسیگ به کار رفته است. اما این مسکوکات شاپور و اردشیر به دلیل آنکه تنها دربردارنده نام شاه و پدر وی است حاوی اطلاعات چندانی در مورد کلیت خط و زبان پارسیگ چون الفبا، دستور و قواعد آن نیست. اما کمی بعد به شکل گسترده‌تری اردشیر بابکان (۲۲۴ تا ۲۴۰ م.) بنیانگذار سلسله ساسانی از این خط برای نوشتن کتیبه‌های خود استفاده کرد و امروزه از وی کتیبه‌ای در نقش رستم که در معرفی او، پدر او و اهوره‌مزد است بجای مانده است (عریان، ۱۳۹۲: ۴۸؛ جعفری دهقی، ۱۳۹۵: ۵۲؛ تفضلی، ۱۳۷۶: ۸۴).

اردشیر علاوه بر این کتیبه‌ها در دیگر آثار خود چون سکه‌ها نیز از جمله‌ای که همانند محتوای کتیبه‌اش در معرفی نام و نژاد اوست را درج کرده است، پس از اردشیر پسر او شاپور، شاهنشاه ایران (۷۰-۲۴۰ م.) شد (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۰۹) که باز هم از این خط که به تازگی در عصر پادشاهی پدر او پدیدار شده بود برای درج کتیبه‌های متعدد خود استفاده کرد. (ابوالقاسمی، ۱۳۹۶: ۱۶۱ و ۱۶۲؛ عریان، ۱۳۹۲: ۳۲).

حال در این کتیبه‌ها پیش از هر چیز چند مسئله ما را به تأمل وا می‌دارد. نخست این اندیشه که وجود چنین خطی بدین شکل شسته و رفته همراه با ۱۹ حرف (آموزگار، تفضلی، ۱۳۷۵: ۴۵) و نکات دستوری زبان، که جملگی به درستی رعایت شده‌اند بی‌شک زمان بسیاری صرف آن شده تا چنین خطی

پدید آید. وجود کتیبه‌ای با متن بلند شاپور در کعبه زرتشت که مشتمل بر ۳۰ بند بوده و در معرفی تبارنامه و اقدامات او است (فرای، ۱۳۸۸: ۵۹۱، ۵۹۶) این مطلب را بر ما اثبات می‌کند که این خطی است که ابداع آن در مدت زمانی کوتاه رخ نداده است. پس چرا اثری از این خط کامل در پیش از اردشیر و روی کار آمدن ساسانیان دیده نمی‌شود؟ به هر ترتیبی این خط از آرامی یا صحیح‌تر آن «آرامی امپراطوری» گرفته شده است (شروو، ۲۰۰۹: ۱۹۸). آرامی نیز در عصر هخامنشیان خط و زبان دیوانی و بین‌المللی مکاتبات این سلسله پادشاهی بود (تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۳).

با فروپاشی دولت هخامنشی و روی کار آمدن سلوکیان خط میخی به انزوا رفت و خواندن آن فراموش شد (مولایی، ۱۳۹۸: ۱۹)، بعدها از خاطره‌ها نیز محو شد. اما خط آرامی همچنان به حیات خود ادامه داد و اهمیت خود را حفظ کرد (ناتل خانلری، ۱۳۶۵: ۲۴۲؛ ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۲۶). هنوز دبیران آرامی‌نویس در دربار شاهان پارسی مشغول به کار بودند و این خط چنانکه در مسکوکات فرمانروایان این استان دیده می‌شود پس از فروپاشی هخامنشیان همچنان در پارس کاربرد داشت (ناتل خانلری، ۱۳۶۵: ۲۴۲؛ ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۷۶). همچنین با فروپاشی هخامنشیان علی‌رغم نابودی خط میخی زبان فارسی این دودمان نیز به حیات خود ادامه داد. تا قرن سوم میلادی زبان هخامنشیان یا فارسی باستان انحصاراً زبان محلی در استان فارس بود (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۱۵۷) و زبان فارسی میانه دوره ساسانی به واقع در ادامه همان زبان فارسی باستان است (آموزگار، تفضلی، ۱۳۷۵: ۶۳)، که در پارس موطن اصلی ساسانیان باقی مانده بود. با روی کار آمدن ساسانیان این زبان که از پیشینیان آنها یعنی حکام و مردمان پارسی میراث‌دار هخامنشیان، برای ایشان به ارث رسیده بود تبدیل به زبان اداری و رسمی همه شاهنشاهی ساسانی شد (جعفری دهقی، ۱۳۹۵: ۳؛ تفضلی، ۱۳۷۵: ۱۲). از این رو پیرامون پیدایی خط پهلوی ساسانی و سیر تحول آن ما ناگزیریم به تاریخ و اسناد بجا مانده از دوران فرمانروایان محلی پارس در پس از فروپاشی هخامنشیان یعنی عصر سلوکیان و پارتیان... رجوع کنیم.

با فروپاشی دولت هخامنشی به دست اسکندر و جانشینان او، اگرچه خط میخی نابود شد (مولایی، ۱۳۹۸: ۱۹) اما هنوز در پارس آداب و سنن و حتی زبان هخامنشیان پاس داشته می‌شد. خود اسکندر سعی می‌کرد آداب و رسوم پارسی را پیشه کند و حتی با شاهزاده خانم بلخی رکسانه ازدواج کرد (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۱۴۲، ۱۴۳). در این میان ساتراپ یا شهربانی با نام پئوکستاس در پارس به فرمانداری نشست که او نیز همین سیاست را پیش گرفت و با اقدامات ایران دوستانه او که شامل پوشیدن جامه مادی و یاد گرفتن و انجام آداب و رسوم ایرانی بود، پارس حتی پس از اسکندر نیز آرام ماند. در حالی که دیگر نقاط کشور با حمله اسکندر دستخوش آشوب شده بود. پئوکستاس این حاکم محلی غیرایرانی در پارس حتی زبان پارسی را فرا گرفت و بدان تکلم می‌کرد (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۱۴۳؛ ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۲۵). بنابراین زبان هخامنشیان یا همان زبان فارسی در هنگام تازش اسکندر و سلوکیان در محدوده پارس زنده مانده بود، اما این زبان مادری همچنان با خط آرامی ثبت می‌شد (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۱۶۲). گواه این

ادعا را مسکوکات حکام محلی پارس تحت عنوان فرترکه‌ها^۱ که حکام نیمه مستقل کاملاً بی‌خطر برای سلوکیان و حتی اشکانیان بودند برای ما روشن می‌سازد. در واقع آن طور که از پژوهش‌های زبان‌شناختی برمی‌آید سکه‌های حکام محلی پارس از هنگام فرمانروایی سلوکیان تا پایان دوره اشکانیان، از معدود اسناد مکتوب به جا مانده از خط و زبان این دودمان پارسی نیمه مستقل است که خود را وارث هخامنشیان می‌دانستند. از این رو چنانکه مشاهده می‌کنیم خط به کار رفته بر روی و پشت این سکه‌ها آرامی بوده، اما زبان، زبان فارسی است. این زبان نیز در ادامه همان زبان فارسی باستان است که مورد تحولات زبانی‌شناسی قرار گرفته تا آنکه نهایتاً تبدیل به زبان فارسی دوره میانه می‌شود. در اینجا ذکر این مطلب ضروری است که آخرین نوشته‌های زبان فارسی دوره باستان یعنی کتیبه‌های شاهان هخامنشی مربوط به قرن چهارم قبل از میلاد و اولین متون دوره میانه زبان فارسی متعلق به قرن سوم میلادی است (ارنسکی، ۱۳۷۸: ۷۰). پس می‌بینیم چنانکه ارنسکی می‌گوید در تاریخ زبان فارسی از یک دوره که شش قرن را شامل می‌شود در دست نیست و تغییرات اساسی نظام دستوری از فارسی باستان به فارسی میانه در همین دوره اتفاق افتاده است (ارنسکی، ۱۳۷۸: ۷۰). اکنون با رد این موضوع باید بگوییم که حکام محلی پارس زبان فارسی در دست تحول همین دوره را که زبان مادری‌شان هم بوده است را به کاربرد می‌بردند که امروزه هر چند کم اما برایمان به یادگار مانده است. در نتیجه به دلیل همین تغییر و تحول زبان در این دوره تاریک شش‌قرنی زبان فارسی بود که باعث شد سر آخر یک خط و زبان بسیار کامل و شسته و رفته‌ای تحت عنوان پارسیگ به ساسانیان و اردشیر بنیانگذار این سلسله به ارث رسید. اردشیر و جانشینان او هم با آگاهی از تحول و تکامل این خط و زبان، در انتشار و اشاعه آن از هیچ تلاشی فرو نهندند. چرا که این خطی بود بجا مانده از عصر باستان، امروزه با شواهدی چون نقل هرودین، دیوکاسیوس و نامه‌ای که شاپور دوم به کنستانتین نوشته است از علاقه ساسانیان به رساندن تبار خود به اعقاب پیشینیان یعنی هخامنشیان مطلع هستیم (یارشاطر، ۱۳۹۴: ۱). این نیز بی‌شک سنت و باوری است که از فرمانروایان پارسی پیش از ساسانیان به آنها رسیده بود چرا که ما در مسکوکات حکام پارسی از هنگام حکمرانی سلوکیان تا پارتیان شاهد نقوش هخامنشی بر روی سکه‌های این حکام هستیم.

۴- تحول واژگان فارسی باستان در سکه‌های فرترکه‌ها

طبق تحقیق ویسهوفر پادشاهی در پارس از فروپاشی هخامنشیان تا روی کار آمدن ساسانیان در دو دوره فرمانروایی گنجانده می‌شود:

۱. حکام محلی پارس تحت عنوان فرترکه‌ها یا پرتترکه‌ها 'prtrk' که در عصر حکومت سلوکیان در پارس حکومت می‌کردند (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۷۹، ۷۴).
۲. حکام دیگری که به واقع در ادامه همان حکام نخست هستند که بر تخت فرمانروایی پارس تکیه زدند با این تفاوت که ایشان با روی کار آمدن و تسلط پارتیان بر پارس و با اجازه آنها بر این استان حکومت

^۱ Frataraka

می‌کردند (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۷۹، ۷۴). به عقیده نگارنده دسته سومی را هم باید در نظر گرفت که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. به هر روی چه دو دوده، چه سه دوده، حکام محلی پارس، هم از نقوش حکام باستانی پارسی یعنی هخامنشیان استفاده نمودند و هم زبان فارسی به جای مانده از عصر هخامنشیان را در مسکوکات خود استفاده کردند. در سکه‌های بجا مانده از بغداد (تصویر شماره ۱) یکی از فرمانروایان دودمان فرترکه حاکم بر پارس که در مسکوکات خود نقوشی از تخت جمشید و هخامنشیان را درج نموده طبق خوانش ویسهوفر چنین نوشته شده است:

bgdt prtrk' ZY 'LHY' BR bgwrt
baydād fratarakā ī bay pus bagawart

« بغداد فرترکه خدایان پسر بگورت » (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۷۶).

متن این سکه‌ها اگر چه به خط آرامی است اما زبان پارسی است و این همان مطلبی است که گفتیم پس از فروپاشی هخامنشیان زبان فارسی با تسامح شهرهای سلوکی چون پثوکستاس در پارس همچنان زنده مانده و به کار می‌رفت، اما متون با خط آرامی نوشته می‌شد (تفضلی، آموزگار، ۱۳۸۲: ۶۰). حال به تفصیل به جمله درج شده در این سکه‌ها می‌پردازیم:

نام فرمانروا «بغداد» با حرف‌نوشت bgdt و آوانوشت: baydād (گیگنو،^۱ ۱۹۷۲: ۲۰).

در متن این سکه با تاکید بر پارسی بودن زبان، معرفی نام فرمانروا که آن هم نامی پارسی است انجام شده است، بغداد یا بی‌داد baydād یک نام پارسی مرکب و متشکل از دو جزء «بیغ+داد» است که «بیغ» لغتی معمول برای خداوند است (مولایی، ۱۳۹۹: ۳۰۵). سنت گزینش نام مردان با جزء اول نام خدایگان [بیغ] بی شک از اعقاب پیشین، از عصر هخامنشیان برای مردمان این دوره بجای مانده است. این مورد را ما با اتکاء بر کتیبه‌های هخامنشی که حاوی نام‌هایی با جزء اول «بیغ» هستند می‌توانیم اثبات کنیم. جزء دوم این نام به با حرف‌نوشت «dt» و آوانوشت «dād» بی شک باز هم بجا مانده از «dāta» عصر هخامنشی به معنی داد و قانون است (مولایی، ۱۳۹۸: ۱۹۴). پس با این حساب معنی این نام کهن مرکب باید داد(عدل) خدا، خداداد و یا نیکوکار باشد.

لقب فرترکه^۲ prtrk'

به قول ویسهوفر سجع این مسکوکات به صورتی است که روشن است فرمانروایان آن می‌خواسته‌اند لقبی را در آن جا بدهند. لقب مورد نظر اکنون همین واژه است که تاکنون به صورت‌های فرترکه^۳ «prtrk'» و فرت‌دار^۴ prtdr' و فرت‌گر^۵ prtkr' توسط ناستر و دیگران قرائت و بررسی شده است (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۷۸). این عبارت اگر چه در میان محققان مورد اختلاف نظر است اما در نهایت با اتکاء بر پاپیروسی از عصر هخامنشیان در مصر که این عبارت در آن مندرج است به صورت فرمانده و فرمانروا معنی می‌شود (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۷۸؛ لوکونین، ۱۳۹۳: ۳۹، ۴۰).

کسره اضافه ZY=Ā (گیگنو، ۱۹۷۲: ۶۸).

^۱ Gigno, Ph.

نام شاه و عنوان فرمانروای او همراه با «آ» کسره اضافه نوشته شده است. این «آ» کسره اضافه در فارسی میانه همیشه با ضمیر متصل به میان می‌آید (تفضلی، آموزگار، ۱۳۷۵: ۶۹). چنانکه در اسناد ساسانی بجای مانده است این ریخت نگارشی را ما به کرات در خط و زبان فارسی این دوره داشته‌ایم.

واژه 'LHY'

سپس عنوان خدا که با ریخت آرامی 'LHY' نوشته شده است (گیگنو، ۱۹۷۲: ۱۹). تلفظ پارسی این واژه نیز بغ یا بی bay است که این نیز در مسکوکات ساسانیان بسیار به کار رفته است. نکته قابل توجه آنکه در مضروب‌ات ساسانی آن هنگام که عبارت $bgy = bay$ برای شاهنشاهان ساسانی دیده می‌شود گاهی همین ریخت آرامی 'LHY' نیز به جای bgy در سکه‌های شاهان ساسانی چون شاپور دوم نوشته شده است (پاروک، ۱۹۷۶: ۹۱). پس این نشان می‌دهد علاوه بر این که این عبارت از همین زمان حکام پارسی تا عصر ساسانیان تداوم یافته، خود صورت آرامی این واژه نیز در یاد ساسانیان مانده بود و علاوه بر سکه‌ها در کتیبه‌ها هم شاهد این عبارت هستیم. این همان عبارت پیشتر یاد شده بگ $baga$ به معنی خدا است (مولایی، ۱۳۹۸: ۲۰۸)، که در شاهنشاهی هخامنشیان توسط داریوش یکم در کتیبه‌های وی به کار برده شده بود و این پادشاه هخامنشی، شاهنشاهی خود را هدیه‌ای از خدایان معرفی نموده بود.

پیداست که درج این عبارت که اکنون در سکه‌های فرترکه‌ها مشاهده می‌شود همان سنتی است که در میان هخامنشیان بنا نهاده شد، از حکام محلی پارس عبور کرده و نهایتاً چون میراثی به ساسانیان رسیده و آنها نیز از این عبارت در کتیبه‌ها و سکه‌های خود استفاده نمودند.

عنوان پسر [H]BR

واژه پسر با صورت ملفوظ پارسی pus و ریخت آرامی «BRH» است (گیگنو، ۱۹۷۲: ۲۰) که در معرفی نام پدر همچون ارائه شجره نسبی نمود می‌کند. این معرفی نام پدر و رساندن تبار به او را نیز می‌توان همان سنتی در فارسی باستان در نظر گرفت که شاهان هخامنشی چون داریوش یکم و جانشینان او در معرفی خود و نام پدر خویش به کار برده‌اند. چنانکه در برخی کتیبه‌های هخامنشی می‌خوانیم.

نام پدر $bgwrt$

و سرانجام آخرین واژه در متن سکه یاد شده چنانکه اشاره دارد نام پدر بغداد فرمانروا است که با حرف‌نوشت $bgwrt$ به میان آمده است. باز نیز روشن است این نام مرکب بوده و متشکل از دو جزء $bay + ward$ است. جزء اول همان بغ یا بی $bg = bay$ به معنی خدا است. اما جزء دوم این نام ناروشن و قابل بررسی است. ویسهوفر این نام را (بگورت) $bagawart$ خوانده است و معنی هم برای آن ارائه نمی‌دهد. اما آرام^۱ این واژه را (بی‌ورد) $bayward$ خوانده است (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۲۰۶). فارغ از درستی یا نادرستی خوانش محققان، نگارنده با خوانش آرام موافق است. توضیحات فوق درباره جمله به خط آرامی و به زبان فارسی بر پشت این سکه‌ها بود. اما نقوش این سکه هم بیانگر این است که این

¹ Paruck, D.J.

² Alram

دودمان پارسی می‌خواستند تبار خود را به پارسیان گذشته‌ای که فرمانروای سرزمینی پهناور بودند برسانند. بغداد در پشت مضروب‌های خود صحنه‌ای که یادآور نگارگری هخامنشی در تخت جمشید است را درج می‌کند. در این نقش وی چون داریوش یکم هخامنشی بر تختی جلوس کرده و در دستان خود یک دست، عصای شاهانه بلند، و چنانکه در بالا اشاره شد در دست دیگر یک گل را نگاه داشته است. احتمالاً هم این سکه چنانکه سلوود^۱ عقیده دارد ضرب همان پارسه و یا شاید استخر بوده باشد که در نزدیکی تخت جمشید نیز قرار هست.



تصویر ۱: (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۷۶)

از دیگر حکام پارسی که تقریباً به همین سبک و سیاق، با لقب فرترکه و نقوش تخت جمشید و هخامنشی سکه ضرب می‌کنند می‌توان به وهوبر *vahuburz*، اردشیر *ardaxšīr* و وادفرداد *wādfradād* اشاره کرد (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۸۰، ۸۱)، که هم نام پارسی آنها و متن و نقوش مضروب‌های آنها موید نکات فوق است که در اینجا به دلیل تشابه نکات یاد شده از بررسی تک تک این مضروب‌ها پرهیز می‌کنیم. تنها اینکه در ادامه نوشته‌های به خط آرامی و به زبان پارسی این سکه‌ها در مضروب‌های اردشیر اول پارسی همچنین عبارت *br prs* نیز مشاهده می‌شود (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۸۰) که مغایرتی با ادعای این مقاله مبنی بر پارسی بودن زبان حکام پارسی در این عصر ندارد. این حکمرانانی که از آنان با لقب فرترکه نام برده شد، در واقع دودمان نخست حکام پارسی پس از فروپاشی هخامنشیان و روی کار آمدن سلوکیان هستند.

از این به بعد چنانکه ویسهوفر دسته‌بندی کرده دوره دوم حکومت و سکه‌زنی حکام پارسی آغاز می‌شود. تغییر اساسی که در میان این دو دوده رخ می‌دهد تغییر واژه فرترکه *prtrk* به عبارت آرامی *MLK*^۱ است که در فارسی میانه به معنی شاه با همین تلفظ *šāh* است. به عقیده آلرام این تغییر مرتبط با پیروزی مهرداد اول بر دمتریوس دوم است که منجر شد پارتیان بر پارس تسلط یافته و حکام محلی پارس را به عنوان حکومت نیمه مستقل بپذیرند (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۸۴) متن این سکه‌ها به ترتیبی که همان سیر و تحول زبان فارسی باستان را طی می‌کند اکنون بدین شکل در می‌آید. در سکه زیر (تصویر شماره دوم) که متعلق به اردشیر حاکم محلی پارس است اینگونه نوشته شده است:

‘*rthštry MLK*’ BRH d'ryw MLK^۲

^۱ Sellwood

ardaxšīr šāh pus dārayu šāh

«اردشیر شاه پسر داریو شاه»



تصویر ۲ (فریدنژاد، دریایی، ۲۰۲۲: ۴۶)

چنانکه می بینیم در پشت این سکه‌ها نیز خط به کار رفته خط آرامی است و زبان، زبان فارسی است. متن سکه یاد شده که مربوط به دوده دوم حکام پارسی است با تغییری که ذکر نمودیم در ادامه همان سنتی است که در آن پسر تاجدار با ذکر نام پدر خویش که هویت نسبی او است معرفی می‌شود. نام پدر این فرمانروا که خود نام چند تن از شاهان محلی پارس هم هست نیز درخور توجه است. او نام پادشاه هخامنشیان یعنی داریوش یکم هخامنشی را بر خود دارد (فرای، ۱۳۸۸: ۴۳۴، ۴۳۵). این نام در کتیبه‌های فارسی باستان به صورت داریوَوَهو Dārayavahu نوشته شده است که اسم مذکر بوده و به معنی دارنده بهی یا نیکی است (مولایی، ۱۳۹۸: ۱۹۵، ۱۹۶). در عصر حکام پارسی این نام با اسقاطی به صورت داریو d'ry[h]w=dāraya[h]u نوشته می‌شود و نه به صورت فاعلی آن داریوَوَهو Dārayavahuš که در کتیبه‌های هخامنشی آمده و امروزه برای نام سومین پادشاه هخامنشی به کار برده می‌شود (مولایی، ۱۳۹۸: ۱۹۶). از این رهگذر همسو با عقیده فرای باید گفت که نام‌های کهن هخامنشی در پارس ادامه یافته است (فرای، ۱۳۸۰: ۴۳۶). نقوش این مسکوکات باز هم همان نقوش تخت جمشید است. روشن است این حکام هنوز هم تاکید دارند چه از نام و چه از زبان و چه از نقوش و نمادهای به کار رفته در سکه‌ها بگویند میراث‌دار هخامنشیان‌اند. درج سازه پرنده شاهین بر روی درفش در برخی از این سکه‌های پارسی که آشنا از زمان هخامنشیان است، بنایی که شبیه به بنای کعبه زردشت در نقش رستم است (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۷۷)، و نقشی از نگاره نماد اهورامزدا که آن نیز بر بالای ستون‌هایی چند در تخت جمشید قرار دارد (کرتیس و تالیس، ۱۳۸۹: ۷۴) جملگی موید نکته فوق است. در اینجا موردی که به عقیده نگارنده مهم‌تر از موارد پیشین است خود نام‌های پارسی است که توسط شاهان محلی پارس به کار برده شده و به خط آرامی نوشته می‌شود. نام‌هایی چون داریو(داریوش)، اردشیر، بغداد، وهوبرز، وادفرداد، منوچهر، شاهپور و... (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۳۷۴، ۳۷۵) برخی از اینها هم نام‌های مرکب است که در فارسی میانه بسیار دیده می‌شوند. حال شاید این پرسش پیش آید که دلیل استفاده از خط آرامی پس از فروپاشی هخامنشیان چه می‌تواند باشد؟ در پاسخ نخست آنکه دشواری‌های کتابتی خط میخی که منجر به نابودی این خط شد. دوم که مهم‌تر از اولی است وجود دبیران آگاه به خط و زبان آرامی در دستگاه شاهان این حکام بوده‌اند. به هر حال خط و زبان آرامی خط بین‌المللی در زمان هخامنشیان بوده است و از این رو در پارس به خودی خود دارای ارج بوده است. وجود دبیران آرامی‌دان

نیز کار را برای کتابت بسیار آسان می‌کرد و به واقع این خطی است که هم از اعقاب پیشین مانده بود و هم کتابت آن دشواری میخی را نداشت. از این رو خط آرامی بهترین گزینه برای نگارش متون فارسی در این عصر بوده است. حال آنکه حکام پارسی می‌دانستند این خط به هر ترتیب بیگانه است بدین سبب این خود دلیلی می‌شد تا شاهان، موبدان و دبیران ایرانی در پارس به فکر اختراع خطی بیفتند که خط و زبان را از لوٹ وجود بیگانگان عاری دارند. محصل این اندیشه بعدها اختراع خطی به نام پارسیگ شد که ابزار آن هم به توسط همین خط آرامی که در دسترس بود صورت گرفت. پس اکنون برای ما دلیل ابداع خط پارسیگ آن هم به دست پارسیان در همان موطنشان روشن شد.

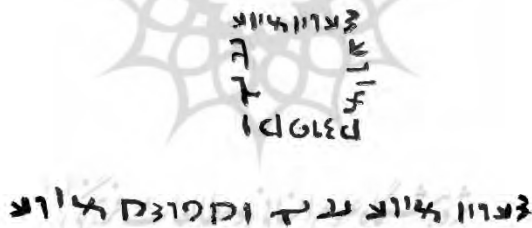
۵- زمان ابداع خط پارسیگ

چنانکه تاکنون از تحقیقات دانشمندان به دست آمده است هیچ اثری به خط پارسیگ در پیش از روی کار آمدن ساسانیان وجود نداشته است که به توسط آن اختراع این خط را مربوط به سال‌هایی دورتر از سال‌های راه‌اندازی حکومت ساسانیان بدانیم. اما گویی تاکنون بررسی ویژه و دقیق‌تر بر روی مسکوکات برخی حکام محلی پارس از دید زبان‌شناسان دور مانده است و با بررسی این مضروب‌ها که در واقع هسته اصلی این مقاله است سعی در اثبات این مسئله است که خط پارسیگ که اردشیر از آن برای نوشتن کتیبه‌های ساسانی استفاده نموده است پیش از روی کار آمدن ساسانیان پدیدار شده بود و به طور تقریبی می‌توان تاریخی برای شروع ابداع خط پارسیگ ارائه داد. برخی حکام محلی پارس و مسکوکات ضرب شده توسط آنها در واقع تصویر به نسبت روشنی از خط پارسیان پس از فروپاشی هخامنشیان تا روی کار آمدن اردشیر بابکان را برآیمن معلوم می‌سازد. اکنون در تحولات خطی که در بررسی از مسکوکات این دوره به دست می‌آید می‌توان سیر خط در پارس را به سه دسته تقسیم کرد.

۱. دسته نخست مسکوکات حکام محلی پارس یا همان فترکه‌ها که هخامنشیان را اعقاب خود می‌دانستند. خط به کار رفته در مسکوکات شاهان این دوره چون بغداد، اردشیر یکم، وهبرز، وادفداد یکم، وادفداد دوم، وادفداد سوم، اردشیر دوم، (همگی خط آرامی است) (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۳۷۴؛ شایگان، ۲۰۱۱: ۱۶۹). اما زبان به کار رفته چنان که پیشتر بررسی نمودیم زبان پارسی است که در معرفی شاهان مربوطه و عناوین آنها است. نقوش به کار رفته در این سکه‌ها چنانکه پیشتر بررسی شد برگرفته از نقوش هخامنشی است (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۱۴۵، ۱۴۶)، و بیش از هر چیز بیانگر ملی‌گرایی این شاهان است. ایشان با این ابزار تبلیغاتی این را به معرض نمایش نهاده‌اند که از میراث‌داران شاهان هخامنشی‌اند. پس این طبیعی است که برعکس برخی شاهان اشکانی که به هر دلیلی مرتب اعلام می‌دارند دوستدار یونان-اند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۲۴)، این شاهان دوستدار تبار، ملیت، آداب و سنن و حتی زبان پارسی‌اند. همان علاقه‌ای که سرآخر منجر شد خط پارسیگ ابداع گردد. چرا که از پس این فرمانروایان نیمه مستقل پارسی، شاهد پیدایی خط نو پارسیگ هستیم.

۲. دسته دوم مربوط به سال‌های فرمانروایی برخی از حکام محلی پارس است که آن هم در واقع در ادامه فرمانروایی فترکه‌ها هستند. آنان هم که دولت نیمه مستقلی در عصر پارتیان دارند در متن

سکه‌هایشان، هم نویسه‌هایی به خط آرامی دیده می‌شود و هم نویسه‌هایی به خط جدیدی که منتهی به خط پارسیگ شد. عمدتاً این سکه‌ها از کیفیت نقوش و خط بسیار پایینی برخوردارند تا جایی که برخی نویسه‌ها و واژگان به کار رفته در آنها قابل قرائت نیست و گاه با بازسازی واژه می‌توان به ریخت صحیح آن دست یافت. شاهان این دوره که نام آنها از روی همین مسکوکات به زحمت به دست می‌آید شامل شاهی با نام داریو و چند شاه منوچهر نام که در دسته‌بندی این شاهان می‌توان به صورت‌های منوچهر یکم، دوم، سوم از آنها نام برد (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۳۷۵). در این سکه‌ها به طور کلی روشن است که خط، دیگر به مانند حکام اولیه پارسی یعنی فرترکه‌ها، خط آرامی نیست و با دگرگونی در الفبای عادی آرامی همراه است (فرای، ۱۳۸۸: ۴۳۶). این نیز روشن است که در خط این سکه‌ها نویسه‌هایی رویت می‌شود که عملاً می‌توان گفت نویسه‌های خط نو یعنی پارسیگ است، که صورت تکمیل یافته آن در کتیبه‌های ساسانیان دیده می‌شود. اما در این میان هنوز نویسه‌هایی مشاهده می‌شود که نویسه‌های خط آرامی بوده و با شکل پارسیگ فاصله دارد. از این خط که بر روی این سکه‌ها به کار رفته از عنوان تلفیقی یا ترکیبی استفاده شد و دسته دوم خود را دسته‌ای از مسکوکات حکام محلی پارس با خط تلفیقی پارسیگ و آرامی که البته پارسیگ در آن خط غالب است مطرح شد. در واقع همین زمان که بین قرون دوم تا چهارم میلادی است باید زمان ابداع و سیر خط پارسیگ باشد. اکنون با مقایسه جدول الفبای دو خط آرامی و پارسیگ (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۵۸)، به چند نوع از این مسکوکات در زیر اشاره می‌شود. دو تصویر نخستین (تصویر شماره ۴ و ۳) سکه‌هایی از داریو پارسی است. متن این سکه‌ها به شرح زیر است.



d'ryw MLK['] BRE wtprdt MLK'
dāraya[h]u šāh pus wādfradād šāh

«داریو شاه پسر وادفرداد شاه»

در متن مربع شکل پشت سکه که از راست به چپ نوشته شده (شماره ۴) و از سر ساعت ۲ سکه خوانده می‌شود نویسه M در واژه هنوارش MLK' که پس از نام وادفرداد wtprdt آمده است هنوز به ریخت آرامی است. همین نویسه M به همین شکل با اسقاطی که متأثر از استحقاق فنی قالبزن است دوباره در واژه آرامی MLK' پس از نام خود داریو d'ryw مشاهده می‌شود. دیگر نویسه p در واژه وادفرداد به شکل دایره‌ای درج شده است که به عقیده ویسهوفر این نویسه در حال گذار و تغییر از

آرامی به پارسیگ است. (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۸۵) دو نویسه A نیز یکی در پایان واژه ملکا MLK' و دومی در نویسه دوم نام داریو d'ryw را به همین شکل گذار از آرامی به پارسیگ می‌توان در نظر گرفت که البته به ریخت پارسیگ نزدیک تر است در اینجا فزون بر نویسه A شکل پنج نویسه w-y-r در نام داریو d'ryw، نویسه K در واژه MLK' و نویسه t در نام وادفرداد wtprdt مابین این دو خط و باز هم در حال گذار از آرامی به پارسیگ است. اما نویسه d در نام داریو d'ryw و وادفرداد wtprdt سیر تحول خود را طی کرده و کاملاً در ریخت پارسیگ خود نوشته شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۵۸). ذکر این نکته نیز ضروری است که گفته شود در کلیه سکه‌های به دست آمده از داریو گذار و سیر تحول خط کاملاً مشهود است. بدین شکل که در سکه‌ای (شماره سوم) متن کلی و نویسه‌ها به آرامی نزدیکتر و در سکه‌ای دیگر (شماره چهارم) خط به پارسیگ نزدیک شده است. این نکته بازه زمانی ضرب این سکه‌ها را نیز نشان می‌دهد بدین شکل که سکه با متن نزدیک به آرامی قدیمی‌تر و سکه نزدیک به پارسیگ در سال‌های بعدتر ضرب شده و جدیدتر است چرا که مورد سیر تحول خط قرار گرفته‌اند



تصویر ۳ (فریدنژاد، دریایی، ۲۰۲۲: ۴۸؛ سرفراز، زمانی، ۱۳۹۵: ۸۰)



تصویر ۴ (فریدنژاد و دریایی، ۲۰۲۲: ۴۸؛ سرفراز و زمانی، ۱۳۹۵: ۸۰).

در دو سکه بعدی که متن سکه به شرح زیر است: (تصویر شماره ۶ و ۵)

mnctr MLK' mnctr MLK'
manučihr šāh manučihr šāh

«منوچهر شاه، منوچهر شاه»

اکنون سکه‌های منوچهرهایی را می‌بینیم که از قرار پسر منوچهر دیگری هستند. از نیمه سده نخست تا نیمه سده دوم میلادی، سه منوچهر بر پارس حکومت کرده‌اند سلوود بر ارتباط نسبی این سه منوچهر تاکید دارد. (حسنی، ۱۳۹۳: ۵۷) از این زمان که سکه‌های چند منوچهرشاه مشاهده می‌شود که فرزند شخص منوچهر نام دیگری هستند بیانگر روی کار آمدن دودمان دیگری است که سردودمان آن منوچهر نام دارد. خط به کار رفته در این سکه‌ها به مانند حکام پیشین از کیفیت نگارشی پایینی برخوردار است که خوانش نویسه‌ها را با دشواری روبرو می‌کند. در مورد ترتیب زمانی این سکه‌ها و اینکه کدام شاه منوچهر نام پیش از دیگری حکومت می‌کرده است به دلیل دور بودن از موضوع این مقاله عبور می‌کنیم اما این نکته قابل ذکر است که با توجه به نقوش روی سکه و متن بینابینی به کار رفته و سیر تحول خط از آرامی به پارسی در این سکه‌ها تا حدی می‌توان بازه زمانی حکومت این فرمانروایان را حدس زد. به هر شکل در دو روی سکه فوق (سکه شماره ۵) در واژه MLK^7 نویسه M مورد تحول قرار گرفته و به خط فارسی میانه نوشته شده است. نویسه L اما هنوز به ریخت آرامی نوشته شده است. در این میان نویسه K بینابینی بوده و در حال گذار از آرامی به پارسیگ است. در آخر این واژه نویسه A هم دیگر گذار خود را طی کرده و به ریخت پارسیگ نوشته می‌شود. در نام منوچهرها هم نویسه m تحول یافته و به پارسیگ نوشته شده و دیگر نویسه‌ها چون W علی‌رغم کیفیت پایین نگارش کاملاً روشن است که در حال گذار بوده و البته نزدیک به پارسیگ نوشته شده‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۵۸). پس چنانکه مشاهده می‌شود متن به کار رفته در این سکه و نمونه‌های دیگر تلفیقی یا ترکیبی بوده و می‌توان گفت این برهه نیز زمان سیر تحول خط فارسی میانه است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر ۵ (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۹۵: ۸۱)



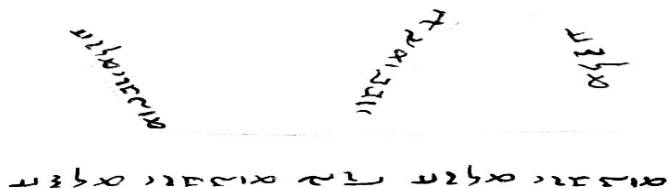
تصویر ۶ (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۹۵: ۸۱؛ امینی، ۱۳۸۹: ۱۱۶)

در سکه دیگری از منوچهر شاهی دیگر (تصویر شماره ۶) علی رغم آنکه خط سکه بسیار مخدوش و خوانش آن دشوار است اما هنوز ریخت آرامی نویسه‌هایی چون L در واژه 'MLK' در این مضروبات دیده می‌شود. نکته آن که نویسه L در پارسیگ هم ریخت آرامی خود را حفظ نموده و در واژگان هزوارش و غیرهزوارش پهلوی صورت L نوشته و ۲ خوانده می‌شود. چنانکه می‌دانیم در ایرانی باستان L جز در لغات دخیل وجود نداشته است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۸: ۷) و گروه rd از فارسی باستان در فارسی میانه زرتشتی به L تبدیل شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۸: ۱۸). پس مشاهده می‌شود در سیر خط پارسیگ هم، نویسه L تقریباً ریخت کهن خود که ماخوذ از آرامی است را حفظ نموده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۵۸).

۳- دسته سوم مسکوکاتی از حکام پارسی که خط به کار رفته در آنها دیگر عملاً تغییر یافته و در شکلی نو تثبیت گشته است. متن سکه حاکم پارسی که جملگی نویسه‌ها به پارسیگ است به شرح زیر می‌باشد:



تصویر ۷ (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۹۵: ۸۱؛ امینی، ۱۳۸۹: ۱۱۶)



mnctr MLK' BRH mnctr MLK'
manučihr šāh pus manučihr šāh

«منوچهر شاه پسر منوچهر شاه»

در این مسکوکات دسته سوم که متعلق است به فرمانروایانی چون یکی از همین شاهان منوچهر نام که در متن سکه بالا آمده (تصویر شماره ۷)، و شاهانی از دوده دیگری تحت عنوان دودمان ساسانی مانند شاپور بابکان (تصویر شماره ۸) و برادر او اردشیر بابکان (تصویر شماره ۹)، عملاً خط دیگر در مسکوکات آنها تحول یافته و به شکلی شده است که امروزه ما آن را خط پارسیگ می‌نامیم. این شاه منوچهر نام که خط به کار رفته در سکه او دیگر پارسی است احتمالاً آخرین شاه از این دودمان است که شاهان وی همنام هستند و این شاهان را دوده سوم حکام پارسی و دودمان منوچهریان در نظر می‌گیریم، شاید خط و مشی جدای از حکام پارسی پیشین داشتند. نکته قابل توجه این است که خط در دودمان منوچهریان، هم در دوره گذار از آرامی به پارسیگ بوده و هم تحول را به پایان رسانیده و دیگر پارسی شده است. پس می‌توان گفت منوچهریان که نامشان هم اتفاقاً از یک پادشاه اساطیری و دینی ایران گرفته شده و در اوستا آمده (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۶۸) در مرکز این سیر تحول قرار داشته و نقش بسزایی در ابداع آن ایفا نموده است. استفاده خط نو توسط شاهک‌های ساسانی می‌توان به این نتیجه رسید که ممکن است برای تکمیل این خط و سیر تحول آن، در میان دستگاه دیوانی و دبیری خاندان منوچهریان و ساسانیان ارتباطی بوده است. موطن اصلی ساسانیان شهر استخر در نزدیکی پارسه است و اردشیر نیز از همین خاندان است که بعدها خط تکمیل شده پارسیگ را برای نگارش کتیبه‌ها و سکه‌ها به معرض نمایش نهاد. استفاده از این خط به توسط آخرین حکام محلی پارس پیش از ساسانیان نیز به خودی خود جالب است. منظور همین منوچهریان است، این شاهان اگر چه ساسانی نیستند اما چنانکه گفتیم هم نام اساطیری دارند و هم خط پارسیگ را برای مصوبات و احتمالاً مکاتبات خود به کار بسته‌اند شاید این دودمان منوچهریان علیه یکی از حکام پیشین برخاسته‌اند و به حکمرانی نیمه مستقل پارس دست یافته باشند. در تاریخ‌نگاری‌های درگیری ساسانیان با این منوچهرها را می‌توان از گزارش طبری متوجه شد. بر پایه تاریخ طبری بابک به همراه پسر بزرگ خود شاپور بر حاکم دست‌نشانده آخرین پادشاه اشکانی، یعنی اردوان غلبه کرد. طبری نام این آخرین حاکم پارسی را جوزهر نوشته است (طبری، ۱۳۸۵: ج ۲/۵۸۱). نولدکه عقیده دارد این نام صورت معرب شده نام گوچهر است (نولدکه، ۱۳۵۸: ۵۵). در صورت پذیرش

دوم با عنوان آرامی 'MLK' گویی درفش بیگانه ستیزی در میان ایرانیان به ویژه در پارس برافراشته شد و مردم پارس شروع به ابداع خط جدیدی برای زبان فارسی که اکنون در دوره میانه آن است نمودند. این خط جدید چنانکه از بررسی‌ها به دست می‌آید برگرفته از رایج‌ترین خط موجود یعنی همان خط آرامی بود. سپس مسکوکات حکام پارسی هم‌عصر اشکانیان چون سکه‌های داریو، منوچهریان و... که در آن خط به کار رفته خط تلفیقی بین آرامی و خط نوظهور است نشان می‌دهد این سال‌ها در هنگامه ابداع و تحول این خط جدید است. در این باره شواهدی چند از نویسه‌ها را به میان آوردیم، در این شواهد که همان متن سکه‌ها هستند هم می‌توان نویسه‌های آرامی و هم نویسه‌های خط نو را باز شناخت و نیز همانطور که گفته شد این نیز تنها باری نبود که چنین اتفاقی می‌افتد و در اواخر عصر ساسانی باز هم سکه‌ها میزبان خط تلفیقی دیگری‌اند و اما در اواخر دوران حکومت پارتیان در ایران، در استان پارس تقریباً به تکامل رسید و سکه‌های حاکمیت آخرین منوچهر، شاپور پسر بابک و برادرش اردشیر در پارس دارای خطی است که تقریباً از تلفیقی و آشفته‌گی به دور است و به اسلوب نهایی آن دست یافته است. در نهایت سرانجام با روی کار آمدن دولت ساسانیان هنگامی که حک پیکرنگاره‌ها و درج کتیبه‌ها در مقام شاهنشاه ایران برای فرمانروایان نخستین ساسانی آزاد شد این حکام یعنی اردشیر و پسر او شاپور خط کاملاً تکامل یافته‌ای را که اکنون پارسیگ نام دارد به منصف ظهور نهادند و انتشار دادند.

منابع

- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۷۵). *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*، چاپ چهارم، تهران، معین.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۶). *راهنمای زبان‌های باستانی ایران*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۸). *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳). *تاریخ زبان فارسی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ارانسکی، یوسیف م. (۱۳۷۸). *زبان‌های ایرانی*، ترجمه علی اشرف صادقی، تهران، سخن.
- امینی، امین (۱۳۸۹). *سکه‌های ایران قبل اسلام موزه کاظمینی*، تهران، پازینه.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار. تهران: سخن.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد اسماعیل (۱۳۶۸). *تاریخ ثعالبی*، پاره نخست، ترجمه محمد فضائلی، تهران: نقره.
- جعفری دهقی، محمود (۱۳۹۵). *راهنمای کتیبه‌های فارسی میانه*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها.
- حسنی، میرزا محمد (۱۳۹۳). *نقش برجسته‌های نو یافته ساسانی*، تهران، ققنوس.

- دریایی، تورج (۱۳۸۳). *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس.
- دریایی، تورج (۱۳۸۲). *تاریخ و فرهنگ ساسانی*، ترجمه مهرداد قدرت دیزجی، تهران، ققنوس.
- سرفراز، علی اکبر و فریدون آوزمانی (۱۳۹۵). *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زنده، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران*.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۵). *تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، ج ۶ تهران: اساطیر.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۰). *تاریخ باستان ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ چهارم، علمی و فرهنگی، تهران.
- عریان، سعید (۱۳۹۲). *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه*. تهران: علمی .
- کرتیس، جان و نایجل تالیس (ویراستار) (۱۳۸۹). *امپراطوری فراموش شده جهان پارسیان باستان*، به کوشش فرخ مستوفی، تهران، کتاب آمه.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۶۸). *کیانیان*، ترجمه ذبیح الله صفا، تهران، علمی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ (۱۳۹۳). *تمدن ایران ساسانی*. ترجمه رضا عنایت‌الله. ج ۵، تهران: علمی و فرهنگی
- مولایی، چنگیز (۱۳۹۸). *راهنمای زبان فارسی باستان*. تهران: آوای خاور.
- مولایی، چنگیز (۱۳۹۹). *فرهنگ زبان فارسی باستان*، تهران، آوای خاور.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۵). *تاریخ زبان فارسی*، جلد اول، نشر نو.
- نولدکه، تئودور (۱۳۵۸). *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*. ترجمه عباس زریاب، تهران: انجمن آثار ملی.
- ویسهوفر، یوزف (۱۳۷۷). *ایران باستان*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
- ویسهوفر، یوزف (۱۳۷۸). *تاریخ پارس از اسکندر مقدونی تا مهرداد اشکانی*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران، فروزانفر.
- یارشاطر، احسان (۱۳۹۴). «آیا ساسانیان وارثان هخامنشیان بودند؟» ترجمه آذردهخت جلیلیان، فصلنامه جندی‌شاپور، سال یکم شماره ۲ تابستان.
- Farridnejad Sh. and Touraj Daryae (Ed.) (2022). Sonderdruck aus/ Offprint from Sasanian Studies Late Antique Iranian World Sasanidische Studien Spätantike iranische Welt, Vol. I, Harrassowitz Verlag· Wiesbaden.
- Gigno, Ph. (1972). *Glossare Des Inscritions Pehlevies Et Parthes*, London.
- Paruck, D.j. (1976). *Sasanian Coins*, Indological book Corporatin.
- Shayegan, R. (2011). *Arsacids and Sasanins*, Cambridge, NewYork, University Press.

Skjarvo (2009). *The Iranian Languages*, Routledge, Edited by Gernot Windfuhr, Group MPG Bodmin, Great Britain.

سلسله



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی